

## حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی، نشانه ضعف و استیصال رژیم در مقابل مبارزات زنان است!

رژیم جمهوری اسلامی در خیزش «زن زندگی آزادی» سر ریز شدن خشم و نفرت مردم جان به لب رسیده بویژه فرودست ترین ها را در مناطقی هم چون کردستان و بلوچستان دید. فوران مواد مذاب آتشفشان خشم زنان را در حجاب سوزان ها دید. شهامت، ایستادگی، جانفشانی و پیشتازی زنان بویژه زنان جوان و نوجوانی که در مبارزه علیه حجاب اجباری، نقش تعیین کننده ای در تعمیق بحران و استیصال شان بر عهده داشتند را دید. تاثیر شگرف این مبارزه در زندان و در میان زندانیان سیاسی و در راس آنان، زنان زندانی سیاسی را دید.

در حقیقت نقش تعیین کننده زنان و مبارزات شان علیه حجاب اجباری در طی بیش از چهار دهه و اوج آن در خیزش ژینا بود که جمهوری اسلامی را به ورطه ورشکستگی کشاند. رژیم بازتاب درماندگی خود را حتی در زندان ها و در روحیه مبارزاتی زندانیان سیاسی بویژه زنان زندانی سیاسی دید که با تمام شکنجه ها، محرومیت از درمان، محرومیت از تماس و دیدار با خانواده و...؛ هم چنان استوار ایستاده اند و به مبارزه ادامه می دهند. جمهوری اسلامی با تمام سرکوب ها و قوانین عفاف و حجاب اش، ادامه مبارزه زنان علیه حجاب اجباری و گسترش آن به وسعت جامعه را دید و می بیند. ادامه مبارزه مادران و خانواده های دادخواه و همبستگی گسترده آنان را با زنان و مبارزات شان علیه حجاب اجباری و مبارزه علیه اعدام را می بیند و...

بر بستر چنین تغییرات عمیق در روحیه و انگیزه مبارزاتی در بین زنان و کل مردم ستمدیده است که رژیم جمهوری اسلامی برای سر پا نگاه داشتن خود، شمشیر سرکوب را آشکارتر از گذشته از رو بسته و به صدور احکام اعدام و بر پا کردن چوبه های دار و گرفتن جان انسان ها، شتاب بیشتری بخشیده است. نوک تیزسرکوب رژیم، زنان بویژه زنان زندانی سیاسی را، نشانه رفته است. جان زنان زندانی سیاسی هم چون پخشان عزیزی و وریشه مرادی را به جرم زن بودن، کورد بودن، آگاه بودن و مبارزه کردن، با صدور حکم اعدام، نشانه رفته است.

اما شرایط عینی جامعه، خشم و نفرت مردم از رژیم جمهوری اسلامی را به مراتب عمیق تر و گسترده تر از دوران خیزش «زن زندگی آزادی» کرده است. ادامه تردد زنان با پوشش اختیاری در گستره جامعه با سری بر افراشته و نهرا سیدن از نیروهای سرکوبگر، مبارزه زنان هنرمند و برگزاری کنسرت مجازی، رقص و آوازهای خیابانی، دیوارنویسی ها و...، نشان از تغییر اوضاعی است که تماما در ضدیت و مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی به پیش می رود.

جمهوری اسلامی هدف اش از صدور بی رویه حکم اعدام، اجرای اعدام های گسترده زندانیان و ربودن و زندانی کردن فعالین حوزه های گوناگون مبارزاتی؛ این است که: رعب و وحشت ایجاد کند و از وقوع خیزش دیگری جلوگیری کند؛ از زنان و نقش تعیین کننده آنان در خیزش «زن زندگی آزادی» انتقام گیری کند؛ دستاوردهای خیزش ژینا را کم رنگ کند؛ به پایه های اندک و لرزان خود روحیه ببخشد؛ شکست خود در منطقه را لاپوشانی کند و هم زمان به قدرت های امپریالیستی نشان دهد که کماکان می تواند با سرکوب، مردم را کنترل کند.

اما درجه بیزاری مردم از رژیم به قدری عمیق است که بعید به نظر می رسد چنین فرصتی را به رژیم برای عملی کردن مقاصدش بدهد. بیزای از رژیم را می توان در مبارزه علیه سرکوب های وحشیانه، علیه اعدام به طور کل و حکم اعدام پخشان عزیزی و وریشه مرادی به طور خاص، از درون زندان های مخوف تا زندان بزرگ جامعه و در بین تبعیدیان مبارز و آزادیخواه در خارج از کشور دید. اما آن ه را که باید تاکید کنیم این است که این مبارزات باید هر چه بیشتر و متشکل تر گسترش یابد. تنها صفوف سازمان یافته و متشکل زنان و سایر اقشار و طبقات ستمدیده است که می تواند با سرنگون ساختن انقلابی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، نقطه پایان بخشیدن به اعدام را امکان پذیر سازد.

با جرئت می توان بیان کرد که حکم اعدام وریشه مرادی و تایید حکم اعدام پخشان عزیزی، به خشمی دامن زده که اگر مویی از سر آنان کم شود می تواند و این پتانسیل را دارد که به سرگیری مبارزه ای به مراتب عظیم تر و سهمگین تر از خیزش «ژن ژیان نازادی»، بیانجامد. در حقیقت این جمهوری اسلامی است که باید از نفرت عمیق و انفجار خشم مردم علیه اعدام زندانیان سیاسی و غیر سیاسی بترسد.

سازمان زنان هشت مارس (ایران-افغانستان)

۱۲ ژانویه ۲۰۲۵